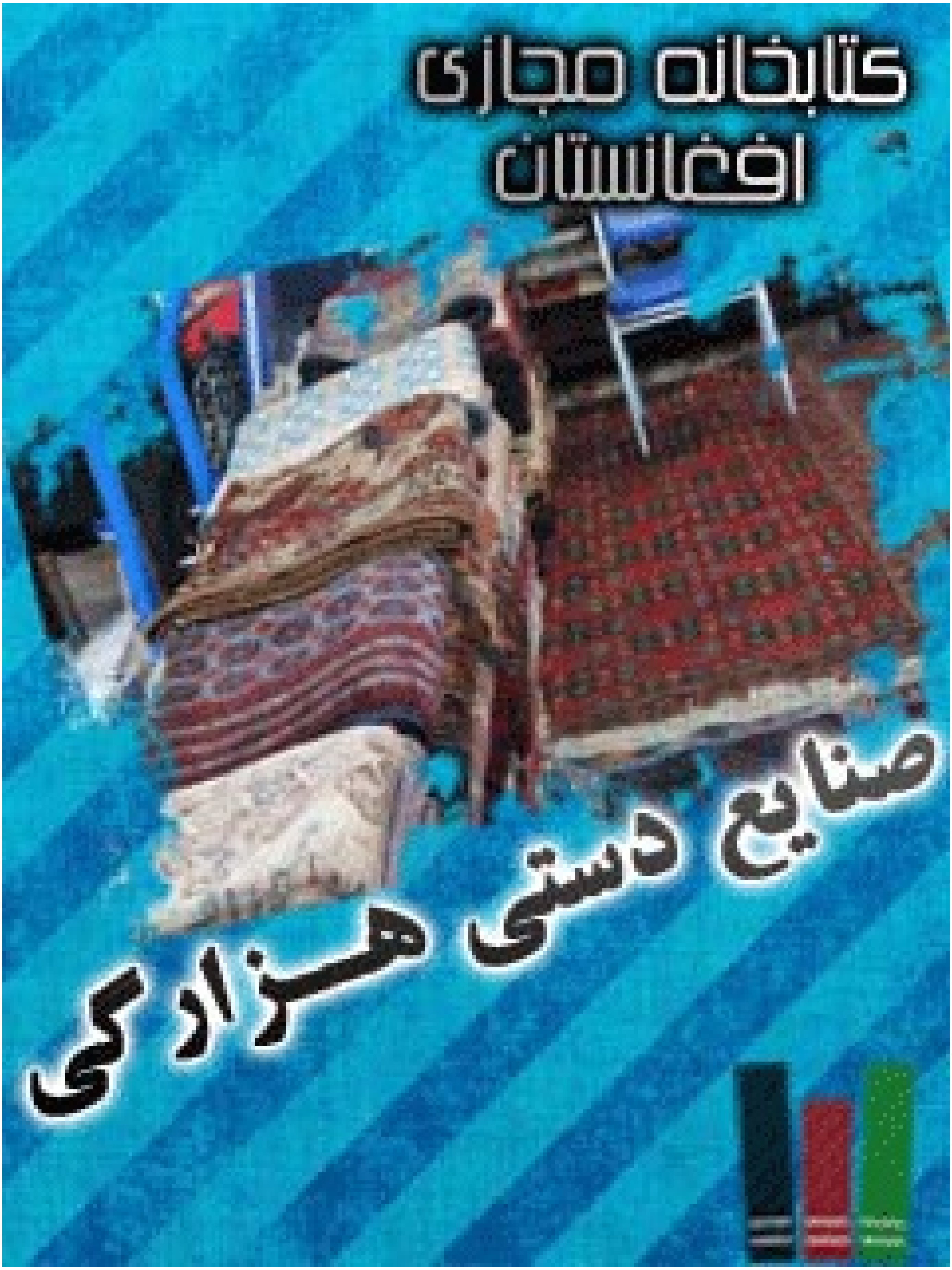

کتابخانه مجازی
افغانستان
صنایع دستی هزارگی

بسم الله الرحمن الرحيم

صنایع دستی هزارگی

نویسنده:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر چاپی:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صنایع دستی هزارگی

مشخصات کتاب

سرشناسه:کتابخانه مجازی افغانستان ،۱۳۹۲

عنوان و نام پدیدآور:صنایع دستی هزارگی/ دکتر حفیظ الله شریعتی.

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: صنایع دستی

صنایع دستی

سوزن دوزی

سوزن دوزی

یکی از ظریف‌ترین هنرهای دستی زنان هزاره سوزن دوزی است که طی آن تمام یا قسمت اعظم پارچه از کوک و بخیه‌های رنگین پوشیده می شود. سوزن دوزی، قلاب دوزی، ملیله دوزی، خامـک دوزی، پته دوزی و دیگر انواع سوزن دوزی هزارگی از صـنایع دستی مهم هزارگی انـد. این صـنعت دست هزارگی به طرز زیبا و تحسـین برانگیزی توسط زنان و دختران جوان تولید می گردد. در مورد سابقه‌ی تاریخی این دوخت متاسـفانه اطلاع چندان زیادی در دست نیست و آن چه که مسلم است این است که این دوخت از صدها سال قبل تقریبا در میان مردم هزاره رایج بوده است. بر اساس شواهدی از دوره ی غزنویان و به خصوص دوره ی تیموری این هنر در هزارستان از رواج کامل بر خوردار بوده است. آثار به دست آمده از خاکریز جاغوری گواه بر این باور است.

طرح هـای مورد اسـتفادهٔ سوزن دوزی مردم هزاره بیشتر به صورت هندسـی است و برای تجسم بخشـیدن به آن ها از رنگ‌های شاد اسـتفاده می‌کننـد که رنـگ نـارنجی روشن و قرمز به بقیه رنگ‌هـا غلبه دارد. جزئیـات طرح را بیشـتر سبز و سـفید و سـیاه و قهوه‌ای تشـکیل می‌دهد. نمونه‌هایی از انواع نقوش هندسـی را در سوزن دوزی‌ها می‌توانید مشاهده کنید. همین‌طور سوزن دوز نقوشی را به کـار می‌برد، بـدون اینکه قبلا طرحی برای آنان ایجاد کنـد. این نقش‌ها را با نهایت ظرافت برروی پارچه می آورد. برای ایجاد نقش بیشـتر سـعی می‌شود از عناصـر بی جـان طبیعت اسـتفاده شود تـا نقش هـایی ماننـد نقش انسـان و حیوان. به طور کلی نقوشـی که به کارگرفته می‌شوند عبارتند از یک: نقش های انسانی: از این نقش ها در هنرسوزن دوزی کمتر استفاده می‌شود.

دو: نقش هـای حیوانی: که برگرفته از انواع حیوانـات است. این حیوانات ممکن است در اطراف و خود منطقه وجود داشـته باشـد یا مانند نقش حیوانات مثل طاووس برگرفته از ذهن فرد باشد.

سه دیگر: نقش های گیاهی: در این نوع نقش‌ها از انواع گل ها و درختان استفاده می‌شود.

انواع طرح ها

یک: طرح‌های تاری: سه تاری، چهارتاری، شش تاری، هفت تاری و ده تاری.

دو دیگر: طرح‌های گل و طرح‌های حاشیه یا اطراف گل.

سه دیگر: حیوانات اهلی و وحشی مانند اسب، شتر، مرغ، خروس، بز، پلنگ، شیر، آهو و... و همین‌طور انواع پرندگان.

پیش سینه و یخن کشیده

زنـان هزاره پیش سـینه را هم برای مردان می دوزنـد و هم زنـان و دخـتران. برای این کـار نخست روی سـینه ی لبـاس، یـک لـوزی طراحی می کنند، پس از آن با شـکل های هندسـی، مربع و مسـتطل درون آن را پر می کنند. پیش سـینه را بیشتر با نخ سپید نایلونی می دوزند. اگرچند با نخ های استرج هم پیش سینه دوخته می شود.
پیش سینه ی مردان را بیشتر(یخن کشیده) می گویند.

یخن قاق

یخن قـاق در زیر پیش سـینه(یخن کشـیده و دوخته) قرارمی‌گیرد و تا نزدیـک دامن ادامه دارد. طول آن تقریبا ۶۵ سانتیمتر است که قسمت بالای دوخته شده ی آن به صورت مثلث است و بیشترین مقدار آن به شکل مستطیل است.

سر آستین

سر آستین در دو قطعه فراهم می‌شود. این بخش‌ها زینت بخش سرآستین زنان و دختران است.

دهن ایزار

دهن ایزار همانند سرآستین است اما تفاوتی که با هم دارند این است برای دهن شلوار دوخته می‌شود.

دستمال

در هزارستان انواع دستمال دستی سوزن دوزی می‌شود که بیشتر در عروسی‌ها کاربرد دارند.

پوش مور(مهر) و پوش آیینه

زنـان و دخـتران هزاره برای مهر، آیینه، قلم، موبایـل پوش درست می کننـد که بیشتر بـا نـخ استرج دوخته می شونـد. برای این کـار نخست به انـدازه ی مهر، آیینه های جیبی، قلم و موبایل پارچه را برش می زنند و از یک طرف آن شـروع به دوختن می کنند. وقتی پوش های مورد نظر دوخته شد، دور آن پولک دوزی می کنند و با گلگک پیوند می دهند.
نوارهای سوزن دوزی شـده یکی دیگراز انواع فراورده‌های سوزن دوزی هزاره‌ها است که بیشتر برای تزیین لبه چادر، لبه پایین دامن و... به کار برده می‌شود.

کلاه چهار ترک

کلاـه چهار ترک از چهار تکه پارچه ی سپیـد یا رنگی ساخته می شـد. برخی از این کلاه ها ساده بود و بـدون کـدام طرح تهیه می گردید. برخی دیگر با دست دوخته می شد و سوزن دوزی آن ساده و آسان بود. کلاه چهارترک را بیشتر پیرمردان سر می کردند.

کلاه خلقی

کلاه خلقی دارای رنگ های گوناگون بود که تنوع رنگ در آن بستگی به مقدار نخ رنگی داشت که در آن به کار می رفت. این کلاه با سوزن دوخته می شد. کلاه خلقی با نخ استرج بسیار معروف بود. طرح های کلاه خلقی بیشتر مثلثی، لوزی و در وسط کولاه مربعی و دایره یی بود. این کلاه را بیشتر جوانان سر می کردند. پسین ها در دوران حاکمیت کمونیست های افغانستانی(خلقی) ها این کلاه، به کلاه خلقی معروف شد. زیرا این کلاه مانند پرچم خلقی ها بیشتر سرخ(قرمز) رنگ بود.

کلاه ارقچین(عرق چین)

کولاه ارقچی(عرقچین) با نخ نایلونی سفید دوخته می شد. زمینه ی این کلاه پارچه ی سفید رنگی بود که به آن(تفته) می گفتند. زنان و دختران جوان و نوجوان با سوزن این کلاه بسیار زیبا و ظریف را به مدت یک ماه تا دوماه می دوختند. کولاه عرق چین را همه مردان سر می کردند.

جاجیم دوزی

زنان هزاره با سرهم کردن تکه پارچه های چند رنگ،ججیم(جاجیم) درست می کنند. معروف ترین جاجیم هزارگی قورمایی(خرمایی رنگ) است که بیشتر از صد تکه است. هرچه تکه های رنگارنگ بیشتر باشد، جاجیم ها قورمایی تر اند. نوع دیگر جاجیم هزارگی چهل تکه است که بسیار ظریف و زیبا دوخته می شود. هزاره ها از جاجیم برای گستردنی(فرش) و پوشاندن وسایل خانه استفاده می کنند. جاجیم ها را با نخ و سوزن می دوزند و مانند لحاف دوخته می شوند.

سنگ تراشی و حکاکی روی سنگ

سنگ تراشی و حکاکی روی سنگ

فیروزه- مرمر- یشم و مانند آن ها را هزاره ها پس تراشیدن به شکل های مختلف در می آورند و از آن ها صنایع دستی درست می کنند.مردم هزاره با تراشیدن سنگ یشم از آن قوطی نسوار، بتال(کاسه ی سنگی) تشت خمیر، چراغ سنگی، سیرکوی(کوبه) برای خرد کردن نان پتیر، ظرف ریخت گری دارو() ظرف ریخت گری گلوله های تفنگ سربی، ظرف دارو سازی پزشکی و مانند آن می سازند. هزاره ها طریقه ی استفاده از سنگ های قیمتی را به درستی می دانند. آنان از سنگ های قیمتی که در هزارستان یافت می شوند و یا از جای دیگر می آورند؛ انگشتر، دست بند، انواع وسایل آرایش زنانه، گردن بند، آویزه های گوش و بناگوش، خال بینی، گوشواره، تاج عروس- پیکی، پیشانه بند، بالی، سلسله و مانند آن ها می سازند.

چراغ سنگی

هزاره ها با تراشیدن سنگ یشم و سنگ های معمولی چراغ سنگی درست می کردند. برای این کار نخست میان سنگ را خالی(تهی) می کردند و مقداری تیل وطنی مانند روغن بادام و شرشم در آن می ریختند. سپس فتیله ای در میان و یا گوشه ای آن جا می گذاشتند و روشن می کردند. چراغ سنگی در هزارستان اکنون برافتاده است اما از کهن ترین وسیله ی روشنایی هزارگی است.

حصیر بافی

چیغ

زیرانـداز، انـواع سـبد، چیغ بافی نمونه های از حصیر بافی هزارگی اند که بیشتر کاربرد خانگی دارند. هزاره ها از گیاه نی کوهی و اهلی و گیـاه لوخ حصیر- چیغ می بافنـد. برای این کار نی ها را به صورت عمودی اسـتوار نگه می دارنـد، از وسط آن ها نـخ های پشـمی را رد می کنند و به صورت شلکی می بافند. مردم هزاره از چیغ برای خانه سازی و خانه های نیی (کوته) آلاچیق استفاده می کنند.

چیله

چیله راماننـد چیغ می بافنـد بـا این تفـاوت که در آن به جـای نـخ پشـمی از ترکه های درخت بیـد، سپیـدار، ارر، توت وماننـد آن اسـتفاده می کننـد. برای این کار نخست دو چوب بزرگ را در دو طرف به صورت موازی روی زمین به اندازه ی یک متر تا دو متر جـا می گذارنـد. سـپس از پـایین بـا بافیـدن، خم کردن و تـا کردن ترکه ها میان هم دیگر، چیله را بالا می برنـد و چیغ چیله ای می سازند.

سبد بافی

هزاره ها بیشتر از ترکه های درخت بیـد، توت، ارر، سپیـدار و مانند آن سـبد می بافند. برای این کار نخست یک دایره از ترکه های خم شده ی درخت درست می کنند و سپس آن را ادامه می دهند تا سبد درست شود. در پایان آخرین ترکه را به داخل سبد تا می کننـد و سر آن را می برنـد، و سـبد را درست می کننـد. سـبد تـال الترغینه از بهترین نوع سـبد هزارگی است که در داخـل و خارج کشور به فروش می رسد. مردم از سبد برای گردآوری علوفه و میوه های خوردنی و مانند آن استفاده می کنند.

فرآورده های پوست و چرم

فرآورده های پوست و چرم

پوستین، کلاه پوستی، چارق از صنایع دستی هزارگی اند که از چرم حیوانات ساخته می شوند.

کفش

پوشـش پـای هزاره هـا را سـاده است. مهمترین صـنایع دستی هزارگی درفرآورده هـای پوست و چرم کرو، چارق، کیرو، چاموش و چپلی است.
هزاره هـا پوست حیوانـات حلال گوشت را بـا احتیـاط از گوشت آن جـدا می کردنـد. وقتی پوست سالم به دست می آمـد، از آن مشک می ساختنـد. اگر پوست اضافه داشـتند، نخست آن را نمک می زدنـد تا آب آن گرفته شود، بعـد به فروش می رساندنـد. اما اگر می خواسـتند از آن پوست بسازند، نخست پوست را به مدت چهل شبانه روز در داخل خاکستر می گذاشتند تا موهایش برود و آمـاده دباغی شود. در این مـدت چنـدین بار خاکستر آن را عوض می کردنـد. پوست آماده را که موهایش با کاردک کنـده شـده است، در ظرف مسـی یا گلی می انداختنـد. این هنر را (خوراو) دباغی می گفتند. پوست باید چند روز در خوراو می ماند، تا آماده می شـد. این مرحله را شـیرین کردن پـوست می نامیدنـد. در این مرحله پوست خود را جمع و ضـخیم می سـاخت و به مقـاومت آن افزوده می شـد. اگر بعـد از دو روز پوست خوب رنگ می گرفت آن را قاغ(قاق) می گفتند. برای این کار پوست را در هوای سـرد

قرار می دادنـد. وقتی پوست دباغی می شد و رنگ می گرفت، آن را خشک می کردند و از آن چرم می ساختند. دباغ گران هزاره می کوشیدند تا فرایند دباغی پیش از ماه حوت ختم شود، زیرا در ماه حوت آب را یخ نمی زد و پوست خوب قاق نمی شد. پوست قـاق پیش از مـاه حوت مقـاومت زیـادتر از دیگر پوست هـا داشت. هزاره هـا پوست قـاق را خوب می مالیـد تـا نرم می شـد. و برای چاموش و چارق سازی آماده می گردید.

ابزار دباغی هزاره ها بسیار ساده و طبیعی است. تشت دباغی بیشتر از گل رس است و رنگ آن از ریشه ی درخت زردالو و درختچه ی قرغینه. پوست دباغی شده ی هزارگی بسیار خوش رنگ و زیباست. کفش های که از این پوست ساخته می شود، کم نظیر اند.

چارق و سوگول

هزاره ها از پوست دباغی نشـده کفش زیبایی می سازنـد که به آن چارق می گوینـد. چارق ماننـد کفش های معمولی است، با این تفاوت که تمام آن از چرم است. کفی، تلی، بدنه ی چارق از چرم خالص است. بدنه ی چارق یک لایه و کفی آن چهار لایه است که ضخیم تر از بدنه ی آن ساخته می شود.

عبـدالخالق آزاد در باره ساخت چارق و سوگول هزارگی چنین می نویسد: چارق و سوگول پای پوش عام و معمول مردم بود، تهیه آن در مقـایسه بـا چـاموش به وقت کم و امکانـات انـدک ضـرورت داشت. اسـاس چـارق و سوگول را پوست بز، پوست سـرگاو و پوست شتر تشـکیل می داد. برای تهیه چارق وسوگول پوست را پخته نمی کردنـد، بلکه ازپوست خام پای پوش می ساختنـد. طرف صـاف پوست را به طرف برون و سـمت موی دار و پشم دار آن را به طرف درون و در تمـاس بـا بـا پـا عیـار می ساختنـد. از همـان پوست تسـمه کشـیده و به وسـیله ی دروش (درفش)، پس از آن که پوست مـذکور را بروی هم قرار می دادنـد، کنـاره به کناره می دوختند. در ناحیه بالایی کفش چند سوراخ روی ساق ایجاد کرده و بعد از آن که چارق را می پوشیدند، توسط تسمه چرمین آن را بسته و به پای شان محکم می نمودند.(همان ص۶)

چاموش

چـاموش گونه ای ازپای پوش مردم هزاره است. این کفش چرمی را بیشتر خان ها و پولـداران هزاره می پوشـیدند. عبـدالخالق آزاد مراحل ساخت چاموش را در ماهنامه ی پاتو چنین توضیح می دهد: مراحل تهیه چاموش از اندازه گیری پای فرد مورد نظر آغاز می گردید، ابتدا کف پای را از همان پوست به شکل چند قاطبه برش کرده و آن را با الیاف بته گیت روی هم می دوختند. پاره، پارچه هـای پوست و بقایای تل و کف پای پوش را جمع و با آن تار روی هم دوخته و از آن پاشـنه می ساختنـد. گیاه گیت یک نوع گیاه کوتـاه قـد و دارای ریشه طولانـی هماننـد ریشه خـار درزمین فرو می رفت، تار مـذکور را از تابیـدن ریشه آن گیاه هماننـد تا انساج حیوانات تهیه می نمودنـد. بعـد از آن که کار دوخت کف و پاشـنه ختم می گردیـد از همان پوست گاو به انـدازه کف پا روی آن هماننـد موزه با ساق بلنـد، آن چرم را برش و آن را باهمین تار مقاوم روی کف با مهارت تمام می دوختنـد. بند چاموش را از همان پـوست به شـکل تسـمه می ساختنـد. به انـدازه معین هر دو طرف سـاق را سوراخ و آن تسـمه را از درون آن گذرانـده و توسـط آن چاموش را بعد از پوشیدن روی پا محکم می بستند. بدین طریق یک جفت پای پوش اشرافی به دست می آمد.

چپلی(دم پایی)

هزاره ها برای ساختن چپلی که به آن (کروبن) می گویند، روی ته کفش صـنعتی و یا لاستیک موتر(ماشـین) چند بریده ی نازک و پهن چرم را تا می کنند و با میخ به لاستیک می کوبند. سـپس برای آن پیش بند(جا انگشتی) درست می کنند. چپلی هزارگی هنوز

در بین هزاره ها با وجود چپلی های جدید طرفدارانی زیادی دارد.

کیرو

کیرو همـان چپلی است بـا این تفـاوت که کفی آن از چوب درست می شود. برای این کـار نخست دو تکه چوب آمـاده می شود و کیرودوز چوب را با دقت تمام می تراشـد و به شـکل تلی(کفی) دم پایی در می آورد. سـپس چنـد بریده ی نازک و پهن چرم را تا می کند و با میخ به لاستیک می کوبد. پس از آن برای کیرو پیش بند(جا انگشتی) درست می کنند. کیرو از کهن ترین کفش های هزارگی است. نشان از روزگاری دارد که هزاره ها از ابتـدایی ترین امکانات برای زندگی کردن و زنده ماندن اسـتفاده می کردند. کیرو را بیشتر زنان می پوشیدند. مردان بسیار کم از کیرو استفاده می کردند.

عبـدالخالق آزاد مراحل ساخت کیرو را در ماهنامه ی پاتو چنین توضیـح می دهد: در زمسـتان ها معمولا کیرو(نعلین چوبی) به حیث پـای پوش مورد اسـتفاده قرار می گرفتنـد. کیرو عبـارت از یـک تخته چوب نـازوک و دو پـای پایه بود که در ناحیه جلوی آن یک سوراخ توسط برمه ایجاد می گردیـد. (پایه) پای ها توسط میخ چوبی که قبلا به وسـیله برمه شـکاف شده بود با تخته کف پا محکم می گردید. دو بند که یکی از میان انگشت کلان پا و انگشت کنار آن می گذشت درون شکاف جلوی، توسط فانه و یا میخ چوبی محکم می شـد. بنـد دومی از بین بنـد جلوی گذشـته و از پشت پـا گذشـته و در نـاحیه هر دو کنـاره ی تخته چوب کف پـا و یـا در وسـطآن توسط میـخ آهنی و میخ چوبی داخل شـکاف وسط تخته محکم می گردید. معمولا کیرو را پای پوش دو بنده یاد می کرد. کیرو ساختمان نهایت ساده داشته است و ترکیب آن متشکل از چوب و پوست پخته ی حیوانات بوده است.(همان ص ۶)

پوستین

هزاره با پوست دباغی نشده ای گاو، بز و گوسـفند پوستین درست می کنند. پوستین مانند کت دوخته می شود با این تفاوت که نخ پوستین، تسـمه های از چرم خام و پخته است. سوزن پوستین دوزی کلان تر از سوزن های معمولی است که به آن تیبنه می گوینـد. برخی از پوستین دوزان به جـای تیبنه از جـاتی که کلان تز از تیبنه است اسـتفاده می کننـد. در برخی از مناطق هزارسـتان از پوسـت گرگک و دیگر حیوانات درنـده پوستین درست می کنند که بسـیار زیبا و گران است. این پوستین ها از دور به شـکل حیوانات درنده معلوم می شوند که ترسـناك به نظر می آید. در گذشـته های نه چندان دور گماشـتگان حاکمان جور در هزارسـتان با پوشـیدن این پوستین ها به شـکل گرگک در می آمدند و هزاره ها را شـکار می کردند. ماجرای تلخ و دردناك گرگک های کشمیری از این گونه اند.

پوشش

تیقی چیغی(حمایل)

تیقی چیغی- حمایـل عروس هزارگی ماننـد حمایـل تفنـگ سـاخته می شود با این تفاوت که در آن به جای تیر و گلوله سـکه های زرین یا اشـرفی همراه با دانه های رنگارنگ دکمه جا گذاشـته می شود. حمایل مانند کلاه با سوزن به زیبایی تمام دوخته می شود. برخی مناطق هزاره نشین حمایل را با نخ های رنگارنگ روی پارچه می دوزند.

انگشتر، گوشواره و خال بینی

انگشتر عروس هزاره ها بیشتر از نقره است اگر چند این روزها طلاـ جای نقره را گرفته است. زرگران هزاره برای ساختن انگشتر نخست نقره را آب می کردند و سپس در قالب های از پیش ساخته شده می ریختند و از آن انگشتر به اندازه های مختلف می ساختند. نگین انگشتر عروس های هزاره از سنگ های قیمتی داخلی و خارجی درست می شد. مشهور ترین نگین های انگشتر در هزارستان عبارت بودند از عقیق، فیروزه، لعل بدخشان، لاجورد، زمرد و مانند آن که به شکل بسیار نیکویی تراشیده و جا گذاشته می شدند.

گوشواره نیز مانند انگشتر از نقره درست می شد، اگر چند امروزه جای آن را طلا گرفته است. گوشواره ها به شکل های مختلف ساخته می شدند که نوع معمول آن لوزی، سه گوش و چهار است.

خال بینی را زرگران هزارگی از نقره می ساختند. شکل معمول خال بینی ها شکل نقطه ی ریز و دکمه بسیار کوچک اند که از دور خیلی به چشم نمی آیند.

آرایش

زنان هزاره کمتر آرایش می کنند. تنها فرق زنان با دختران هزاره در این است که دختران هزاره «چتر زلف» دارند. هنگام عروسی برای آرایش عروس این چتر زلف را درست می کنند. پیچه را زنان و عروس های هزارگی می بندند و دختران زلف را جلوی صورت پیچ می دهند و با پنگ(سوزن مو) به هم پیوند می دهند. موهای پشت سر زنان هزاره بیشتر اتیکی(بافته) اند اما موهای دختران برخی افشان اند و برخی از وسط بند می گیرند و پیچ در پیچ تاب می خورند. زنان هزاره ها بیشتر نیازمندی های روزانه خود را محدود و آسان در نظر می گیرند و به وسیله خود مرتفع می سازند. مثلا خود آرایش گراند، نوازندگی را نیز خود به عهده دارند و در جشن ها و عروسی ها ساز خود می زنند و می خوانند. آنان طبیب سنتی خود اند و کم تر به پزشک مراجعه می کنند.

لباس مردان

لباس مردان هزاره بیشتر پیراهن و تنبان بلندی است که تا مچ پا میآید و آستین بلند و گشاد دارد که از دو طرف پهلو چاک است. بیشتر مردان پیراهن و تنبان فراخ می پوشند که لباس است بلند و تا پشت زانو می رسد. این لباس برای مردان پولدار و داماد ها معمولاسفید رنگ است. ویژگی این لباس خنک بودن آن در تابستان است. پیراهن مردان به رنگ های گوناگون ساده یا راه راه با وسکت بلند ساده یا راه راه پوشیده می شود. کفش آن ها ساده و مردانه است. آنان کلاه از جنس پارچه ی دوخته شده بنام کلاه چارترک، عرقچین و خلقی سر میکنند. شلوار مردان هزاره به طرح و شکل شلوارهای وطنی در افغانستان است و پیراهن آنان با برش ساده و اغلب به رنگ سفید و گاه رنگی است.پیراهن مردان هزاره که در گویش محلی به آن «پیرو» یا «پیرو تنبو» می‌گویند دارای آستین‌های بلند و یقه گرد و چار گوش اند و از جنس‌های گوناگون سفید و متنوع تهیه می‌شود. به‌طور دقیق می‌توان لباس مردم هزاره را که با وضع آب و هوایی آن مطابقت دارد چنین بر شمرد:

۱– دستار پلوی و مدراسی پرییج که به سر می‌پیچند با تحت الحنکی یک بال چند وجبی که از جلو یا پشت سر آویزان می‌کنند.

۲– پیراهن فراخ و بلند از پارچه ساده سفید مانند (تیترون) یا پارچه‌های امروزی‌تر با چند رنگ که تا برابر زانو انداخته می‌شود.

۳– نیم تنه (کت) اغلب روی پیراهن پوشیده می‌شود و همچنین پالتو که در فصل زمستان می‌پوشند.

۴– شلوار پرچین و پف کرده که در دم ساق پا تنگ‌تر می‌شود.

در این میان جوانان و تحصیل کردگان هزاره کم کم لباس بومی منطقه را که با شرایط اقلیمی متناسب است کنار می گذارند و بیشتر به سبک شهری کت و شلوار و لباس مد روز را می‌پوشند.

جبه (برک)

جبه پوشاک دیگری است که ویژه مردان پیر یا مردمدار است. جبه را از پارچه پشمیآستین دار سفید رنگ و نازکی تهیه میکنند. بلندی جبه تا زانوان و قسمت جلو آن مانند قبا چاکداراست. در پشت جبه بند رنگینی قرار دارد که دو سر آن منگوله ی زیبایی دارد. کاربند جبه جمع کردن و نگهداری آستین های جبه در روی بازوان است. این جبه را لباس شالی یا برک هم می گویند. مردان هزاره صورت خود را کمتر می تراشند و به سبیل گذاشتن گرایش دارند که با جبه ها هم خوانی دارند.

لباس زنان

پوشاک زنان هزاره بسیار زیبا و جالب توجه است. این لباس ها عبارت اند از: دامن چین دار که با تنبان یا زیر جامه همراه است. تنبان های زیری از پارچه های ارزان مانند: چیت گلدار و دامن های رویی از پارچه های بهتر مانند مخمل یا زری و تور اند و در پایین حاشیه یا تزیین دارند. پیراهن زنان تا ساق پا، یقه بسته و آستین بلند است و در دو طرف پهلو رو به پایین چاک دارد که روی دامن ها قرار می گیرد. برخی از این لباس ها چاک ندارند و به صورت گل(دایره) ساخته می شوند. اگر پیراهن از جنس ساده و گلدار نباشد، پیش سینه را پولک دوزی می کنند.

بدون شک همه افسانه‌ها و پیشینهٔ مردم هزاره با آداب و رسوم و پوشش این منطقه پیوند خورده است که اگر این پوشش در افغانستان بی‌نظیر نباشد، می‌شود گفت کم نظیراست. پوشاک مردم هزاره در نهایت زیبایی و سادگی نمادی از پوشش اصیل هزاره‌هایی است که امروز جز در برخی مناطق روستایی در جای دیگر شاید نتوان نشانی از آن یافت. پوشاک زنان هزاره بنابه موقعیت اجتماعی، اقتصادی و شرایط سنی از ویژگی‌های مشخصی برخوردار است. پوشاک زنان جوان هزاره با پارچه‌های گوناگون در رنگ‌ها و طرح‌های شاد با چادر زیبا و رنگی همراست اما زنان مسن‌تر پارچه‌هایی به رنگ تیره با طرح‌های ساده و سیاه و سفید را ترجیح می‌دهند. چادرهای زنان هزاره که در زبان محلی به آن «لاته» می‌گویند علاوه بر وظیفهٔ پوشش، زیبایی خاصی به زنان هزاره می‌دهد. «لاـته» و «چادر» سرپوش نخی مخصوصی است که زنان هزاره به سر می‌کنند. «لاته» را در حالت عادی و در روزهای معمولی می‌پوشند ولی چادر را بیشتر در مراسم جشن و سرور سر می‌کنند. پیراهن زنان هزاره دارای برشی ساده، بلند و فراخ با طرح‌های گلدار و رنگ‌های متنوع است. لباس زنان هزاره دارای قسمت‌های مختلفی چون «بالاتنه یا پیرو»، «ایزار» یا «تن بان» و وسکت «جلیقه» است. لباس محلی مردان و زنان هزاره در کنار دیگر اقوام و طایفه‌های هزاره با زیبایی‌های منحصر به فرد خود همواره مجالی برای تجلی ذوق و استعداد طراحان لباس‌های روز بوده است. در حقیقت لباس محلی و سنتی در هزارستان نمادی از فرهنگ و آداب و رسوم مردم آن است و نوع دوخت این لباس‌ها و رنگ‌های به کار رفته در این پوشش‌ها منحصر به‌فرد و بی‌نظیر است.

لباس زنان و دختران هزاره از هم متفاوت است، زنانی که سن سالی از آن ها گذشته همان لباس‌های قدیمی که عبارتند از: ۱- چادر ۲- قدیفه (چارقد)

۳- وسکت ۴- پیراهن بلند و گشاد ۵- شلوار بلند و گشاد

۶- دستمالی که به دور سر می‌بندند.

دختران جوان هم مانند پسران جوان لباس‌های مد روز را می‌پوشند و بندرت دختران لباس‌های زنان را به تن می کنند. امروزه برخی

از آنان مانتو شلوار می‌پوشند.

وسکت

زنـان هزاره روی پیراهن، وسـکت کوتاهی که از زری گلـدار یا مخمل است می پوشـند. این وسـکت(جلیقه) با ماشـین دستی با نخ دوخته می شونـد. دوخت این وسـکت ها بسـیار زیبایند. انواع درخت، پرنده و خط های کج و پیچان در آن دوخته می شوند. هزاره ها با دوختن و بنـد انداختن سـکه های نقره ای روی وسـکت برای نو عروسان، لباس عروس می سازند. سـکه های نقره ای که روی وسـکت (پر روپی) عروس های هزارگی دوخته می شدند، از نوع سـکه های شاهی بودند که اکنون از بین رفته اند. امروزه وسـکت های نو عروس های هزارگی را با سکه های معمولی تزیین می کنند.

کلاه(سرغوت یا سرغوچ)

کلاه یی که سرغوچ می نامند از جنس پارچه ی زیبا و خوش دوخت و چند تکه است که زنان هزاره بر سر می گذارند. پس از آن که کلاه را سر کردنـد، موهای بلند عقب سـر را در داخل دم و آویزه کلاه می اندازند. دختران جوان روی چارقد، تور یا زری سـه گوش بزرگی سـر میکننـد و آن را بـا سـنجاقی محکم زیر گلو میبندنـد و روی آن را از قسـمت جلوی سـر و بالای پیشانی دسـتمال کلاغی رنگی میبندند. و کلاغی از پشت سر گره میزنند و قسمت زیادی آن را از پشت آویزان میکنند.

زیور آلات

زیور روی لباس زنان گلوبنـد زرین یا اشـرفی همراه با دانههای رنگارنگ دکمه و النگو و دسـتبند نقره یا طلا است. هزاره ها از طلا کمتر استفاده می کنند. وسایل زینتی هزاره ها بیشتر از زر(نقره) اند.

پیکی

پیکی دایره ی مـاه گون است که نو عروسـان هزاره آن را روی پیشـانه به صورت عمودی می بندنـد. به این دایره که در اطراف آن منگوله هـای از زر به صورت های مختلفماننـد نقش درخت، بوته ی گیاه و شاخه های گل است، تاویـذک(تعویـذ کوچک) هم می گویند. تعویذک مانند تعویذ دارای چهارگوش و لوزی مانند است. در هر گوش آن چند تعویذ کوچک دیگر آویزان می شود که هنگام بالا و پایین کردن سر صدای موسیقی دلنشینی می دهد.

جودانه و طوق

طوق همان گردن بنـد است که عروس های هزارگی هنگام عروسـی آن را به گردن می آویزانند. جودانه آویزه های طوق است که به صـورت عمـودی برآن گره زده می شـود. جـودانه یـک نیم دایره ی کلاـن است. در کنـاره هـای این دایره چنـد منگـوله و طوق کوچـک جـا گذاشـته می شونـد. هر طوق دارای چنـد دایره و چنـد طوق کوچـک تراست. این طوق های سلسـله وار در چنـد منزل ساخته می شوندکه به آن جودانه ی چند منزله می گویند. آخرین منزل و طبقه ی این طوق ها باریک تر است که در راس آن دایره یی کوچـک وجود دارد. داخـل این دایره پراست. روی این دایره نگین بزرگی به رنگ سـرخ(قرمز) جا گذاشـته می شود که هنگام تکان خورن نور می دهد.

بالی و سلسله

بالی همواره با سلسله ی کوچک همراه است. چند منگوله و طوق که به شکل پیکی ساخته می شود. عروس های هزاره بالی را در نباگوش به صورت عمودی آویزان می کنند. طرف پایین بالی همسان با گوشواره است و بالای آن به کلاه و یا سرغوچ عروس بند می شود. سلسله به صورت افقی روی پیشانه ی عروس کشیده می شود و بالای دو گوش عروس بند می گردد. سلسله دارای آویزه های زیادی است که در وسط آن پیکی قرار می گیرد.

صنایع دستی هزارگی

صنایع دستی مجموعه‌ای از صنایع هنری و سنتی هزارگی شامل انواع سوزن دوزی، بافته‌های سنتی، بافته‌های داری مانند پلاس و گلیم، پوشاک سنتی مانند انواع برگ و جوراب های پشمی، آثار چرمی و کاغذی، انواع کفش های سنتی مانند کیرو، چپلی، هنرهای چوبی و تالی، کوزه گری، هنرهای فلزی مانند زیور و زرینه های عروس و داماد و هنرهای سنگی، لباس های محلی، پای‌پوش‌های سنتی مانند چارق دوزی، پوستین دوزی؛ عروسک بافی، مجسمه‌های محلی، قلاب بافی و مانند آن می شوند که با محوریت هنر محلی و ذوق و تراوش ذهنی و زیباشناختی هزارگی بافته و دوخته می شوند. این صنایع دستی با بهره گیری از مواد اولیه و قابل دسترس و بومی به کمک دست و ابزار مورد نیاز و با کاربری در زندگی فردی و جمعی تولید می شوند که ریشه در تاریخ کهن مناطق هزاره نشین دارند.

شناخت کلی

صنایع دستی هزارگی گونه یی از کار، شغل و ایجاد درآمدخانگی و محلی است که در آن لوازم تزیینی و کاربردی تنها با استفاده از دست یا ابزار ساده ساخته می‌شود. در ادبیات شفاهی مردم هزاره این واژه ها بیشتر به روش های سنتی ساختن کالاهای محلی اطلاق می گردد. استادکاری و کاردستی مخصوص، مهم‌ترین ملاک شناخت صنایع دستی هزارگی است، که از لحاظ فرهنگی و تجاری مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی قرار دارد. در این میان لوازمی که به صورت تولید انبوه و یا با ماشین آلات مختلف به صورت صنعتی ساخته می‌شوند جزء صنایع دستی هزارگی شمرده نمی شوند. صنایع دستی هزارگی لوازمی هستند که بیشتر جنبه ی هنری دارد. لذا موارد استفاده ی آن ها بیش از یک تزیین ساده‌است.
صنایع دستی هزارگی بیشتر به کارهای فرهنگی و رسومی تلقی می‌شوند که بخشی از ملزومات زندگی روزمره هزارها هستند. به دیگر سخن با وضعیت فرهنگی و تمایلات جامعه ی هزاره، صنایع دستی هزارگی بیان کنندهٔ، علاقه و ذوق هنری و فردی مردم هزاره است که بخشی از فرهنگ آنان را تشکیل می دهد.
باری، این دست آوردهای هنری هزارگی در حقیقت عشق و حاصل تراوش فکر، روح و ذهن انسان های وارسته و فرهیخته ای هزارگی است که شبانه روز کار و اثری را خلق می کنند. از طرف دیگر مردم هزاره امروزه در هرگوشه و کنار مناطق مرکزی به یک نوع صنعت محلی که دارای اصالت و مشخصات ویژه ای هستند؛ آشنایی دارند، از این رو امکان توسعه ی صنایع دستی در مناطق هزاره نشین میسر است. طرح این محصولات که انباشته ای از عادات و سنن گذشته و بازگو کننده ی هزاران شکل طبیعی کهنسال از یاد رفته هستند؛ می تواند برای گردشگران داخلی و خارجی یادآور تاریخ و فرهنگ کهن این مردم باشد.

پیوسته با گذشته ای تاریخی

فرهنگ و تمدن کهن و پیشینه ی تاریخی چندین هزار ساله ی هزاره هارا از طریق صنایع دستی هزاره ها که حکم مالکیت معنوی آنان را دارد؛ می توان باز شناخت. همین طور دانش سنتی و فرهنگ عامه، فرهنگ شفاهی و مردم شناختی آنان، از این طریق قابل شناسایی است. اکنون باگذشت دو قرن از انقلاب صنعتی و با پیشرفت شگرف صنایع ماشینی و رشد عظیم تکنولوژی، صنایع دستی هزارگی نه تنها از صحنه ی اقتصاد این مردم محو نشده است بلکه روز به روز در حال بسط و گسترش در بازارهای منطقه ای و جهانی است. از طرف دیگر موضوع تولید و خرید محصولات صنایع دستی و توزیع فروش آن ها، بازاریابی و تهیه و توزیع مواد اولیه و ابزار کار مورد نیاز صنعتگران و همین طور ترتیب امور بازرگانی، فعالیت های آموزشی، ترویجی و تحقیقی می توانند در راستای شناخت فرهنگ و زندگی هزاره ها مفید واقع شود. به دیگر سخن صنایع دستی هزارگی در این میان به انسان هزاره فرصت بروز شخصیت و عینیت بخشیدن در خلوتگاه درونی آنان می بخشد و باعث شکوفایی و گریز از خود بیگانگی وی می شود.

اشتغال در صنایع دستی هزارگی

با ترویج صنایع دستی هزارگی قسمتی از منابع که بدون استفاده مانده است به بهره برداری می رسد. منابعی مانند: به کارگماردن کارگران بیکار، استفاده از ساعات بیکاری کارگران بخش کشاورزی و یا استفاده از خدمات زنان در قریه ها و شهرهای کوچک. در صورت وجود بخشی تحت عنوان صنایع دستی هزارگی، اکثر این افراد که امروزه تعداد آن ها کم هم نیست و نمی توانند جذب سایر بازارهای کار شوند؛ به کار گرفته می شوند.

استفاده از سرمایه ناچیز برای تولیدات انبوه

صنایع دستی هزارگی نیازی به سرمایه ی ثابت و زیاد ندارد زیرا با هزینه اندک و زمان کوتاه می توان کار و وسایل کار آنان را فراهم کرد. در این بخش چرخش سرمایه درگردش نیز زیاد است و احتیاج به سرمایه گذاری کلان و زیر بنایی نخواهد بود. امروزه همگان می دانند تنها راه حل نجات کشورهای کمتر توسعه یافته، تولید است و تولید هم نیازمند سرمایه گذاری داخلی است.

افزایش سطح رفاه عمومی

با افزایش تولید درآمد تولید کنندگان صنایع دستی هزارگی نیز بیشتر می شود و به تبع آن سطح رفاه جامعه و مردم هزاره هم افزایش می یابد و این سبب می شود سایر بخش های اقتصادی هم دارای رونق بهتری شوند.

کم هزینه بودن آموزش نیروی کار

در این بخش نیروی کار با سرمایه بسیار ناچیزی تبدیل به یک فرد ماهر و با تجربه خواهد شد. در صنایع دستی هزارگی کارگر بعد از مدتی به فنون و تکنیک کار آشنا می گردد و تخصص لازم را در کار خود کسب می کند.

محصولات، سوغات و صنایع دستی

از مهم‌ترین صنایع دستی هزارستان می‌توان پارچه بافی از نوع سنتی، سفالگری سنتی، برک بافی، گلیم، نمد مالی، سوزن دوزی را نام برد. محصولات و سوغات اصلی منطقه را خشکبار، گیاهان دارویی، بادام، پارچه‌های سوزن دوزی، گردو، انواع کشک، قره قروت و ... تشکیل می‌دهد. از دیگر اقلام صادراتی هزاره‌ها می‌توان به جامه های پشمی بومی، فرش‌های دستباف و پوست گاو و گوسفند و سمور اشاره کرد. صنایع دستی مانند: فرش‌های دستی، گلیم، نمد یا نماد، و جاجیم‌بافی در هزارستان به طور خودجوش

توسط زنـان درسـت می‌شونـد. به دلیـل سه دهه جنـگ و خرابی، این منطقه از آبـادانی و پیشـرفت بازمانـده است. هزاره‌هـا ظرفیت اقتصادی زیادی دارنـد، اگر در این بخش سـرمایه گـذاری و پژوهش‌های گسترده به عمل آید، مطمئنا رشد اقتصادی سـریعی را در پی خواهد داشت و نیز فرصت‌های شغلی چشمگیری ایجاد خواهد شد.

طبقه بندی صنایع دستی

کوزه گری

محصولا‌تی که بـا اسـتفاده از گـل رس یـا گـل حاصل از سـنگ های کوارتز و کایولن به کمک دست و چرخ سـفالگری ساخته و سپس پخته می شود.

هزاره هـا به شـکل سـنتی برای خمره سـازی(دیـگ لی) کوزه گری، پیـاله سـازی از گل رس با رنگ های سپیـد، زرد، سبز و سـرخ اسـتفاده می کننـد. گل رس از معدن گل(گل کینه) با الاغ و پشت به خانه آورده می شود. گل رس را نخست در آب می گذارند، پس از یک شـبانه روز به هم می زنـد. در پایان با کاه و موی بز یکی می کننـد و از آن کوزه وماننـد آن می سازنـد. وقتی کوزه و خمره خشـک شدنـد، آن هـا در یـک جـای جمع می کننـد و روی آن هـا را با گیاه ایلنگ، گیاه گرز و یا چوب توت و زردالو می پوشاننـد. پس از آن چوب ها آتش می زنند تا خوب بسوزد و کوزه ها پاجم(پخته) شوند. این کوزه ها و خمره ها در اثر هرم آتش و قوغ نخست سـیاه می شوند، سـپس سـرخ(قرمز) و در پایان رنگ گلابی را به خود می گیرد. وقتی آتش خاموش شد، کوزه ها در درون قوغ رها می کنند. کوزه ها یک تا دو روز در درون قوغ می مانند و خوب پاجم می شوند. کوزه های پاجم شده بسیار محکم اند و به راحتی شکسته نمی شوند.

هنرهای مرتبط با فلز

فـرآورده هـایی که بـه شیوه ی سنتی از انواع فلز به دست می آیند، از کهن ترین صنایع دستی هزارگی اند. ابـزارهای دستی از انواع فلزات (مس، نقره، طلا‌ـ و آهـن) حجم‌هــای فلزی ســنتی، افزار فلزی (اســلحه ســازی و چـاقو سـازی، حکـاکی روی فلز)، سـاخت زیورآلات سـنتی، قفل سازی، قلم زنی، مس گری، زرگری وماننـد آن از هنرهای مرتبط به فلز انـد. برخی از پیشه وران هزاره مانند «استا» آهنگر که کارشان ساختن وسایل مورد نیاز مردم است، بیشتر با فلز آهنی سـرو کار دارند. آهنگر چکش، بیل، کلنگ، داس، تیشه، اره و جز آن را از فلز آهن می سازند. برای این کار از کوره های زمینی و دم های دستی و پوستی استفاده می کنند.

زرگری

هزاره هـا بـه نقره زر می گوینـد. آنـان بـا آب کردن نقره و شــکل دادن آن، انـواع زرینـه ی زنـان را می سازنـد. انگشترهـای زری هزارگی بسیار لطیف و نازک اند که به دو قسمت تقسیم می شوند. قسمت بالا‌یی یا روی انگشتر که همواره با دانه های قیمتی مانند زمرد، لعـل، لا‌جورد، عقیق و ماننـد آن نگین می شونـد. قسـمت زیرین نگین، چوب انگشتر است که ماننـد برگ درختان و گیاهان کنده کاری و نقاشی می شوند. هزاره ها برای انگشتر بهترین و گران ترین نگین ها انتخاب می کنند. زرینه های زنان نیز با زر(نقره) ساخته می شونـد. این زرینه ها عبارت انـد از بالی، پیکی، طوق، سلسـله. زرگران هزارگی از نقره گوشواره های ظریف و خال بینی بسیار ریز می سازند که زینت بخش جهاز عروس های هزارگی اند.

آهنگری

آهنگری از هنرهـای بسیار کهـن در هزارسـتان است. آهنگران ارج و قرب زیـادی بین مردم هزاره دارنـد. آهنگر ضـمن تفته کردن آهن، برای مردم هزاره وسایل زنـدگی و معیشت می سازنـد. اگر آهنگر نباشـد پای کمیت زراعت و کشاورزی در هزارسـتان لنگ می زنـد. مردم هزاره آهن را از راه های دور تهیه می کننـد و به آهنگر می سپارند. آهنگر از آهن خام ابزار کشاورزی وماننـد آن برای دهقانـان می سازنـد. آهنگر به نـوبت در روز معین، عـده ای را دعـوت می کنـد که برای دم کردن دوکـو و پولـگ زدن گرد بیاینـد. وقتی مردان پولـگ زن و دم گر گرد آمدنـد، آهنگر دست به کـار می شود. نخست دوکو را گرم می کنـد. سـپس در میـان ذغال ویژه ی آهنگری، آهن می گـذارد تا تفته شود. وقتی آهن تفته شـد، آن را می کشـد و با صدای بلند(هه) علامت می دهد که پولـك زنـان پولگك بزننـد. پولگ زنان با هه هه گفتن، نفس زنان پولگ را بالا می برنـد و روی آهن فرود می آورنـد. وقتی آهن تفته شـده، شـکل گرفت، آهنگر آن را داخل آب می انـدازد که آبدیـده شود. آهنگر چکش، بیل، کلنگ، داس، تیشه، اره و مانند آن ها را به صورت ابتدایی می سازد.

مسگری

مسـگری در هزارستان هنوز رونق دارد. مسگران هزارگی از مس انواع دیگ، دیگچه، دیگ کلان نذری، چای جوش، پیاله، کاسه، آفتـابه و لگن، گیلاس آب خوری و ماننـد این ها درست می کننـد. برای این کار مس را آب می کننـد و یا قطعه های از مس را تا می کننـد و از آن ها ظرف های مسـی می سازند. ظرف های مسـی طلایی رنگ اند و داشـتن آن به خانه نمود دیگری می بخشـند. مسگران افزون بر ساختن ظرف های مسی آن را قلیایی هم می کنند که به آن (سپید کردن) می گویند.

هنرهای مرتبط با چوب

خـراطی، منبت کـاری، مشـبک کـاری، خاتم کاری، ریزه کاری و نازک کاری.حجم‌های چوبی سـنتی(پیکر تراشـی) ارسـی سازی ساخت، سازهای چوبی سـنتی، کنـده کاری روی چوب، نقاشـی روی چوب، بیل چوبی، خط کش(آله کش) چوبی، پاروی چوبی، یوغ، ماله و اسپار چوبی(قلبه) و مانند آن از صنایع دستی هزارگی اند.

هزاره ها از چوب بیشتر در خانه سازی و تزیینات آن استفاده می کنند. ساختن ارسی(پنجره) دریچه، در، دروازه، تاق، رفک، تاقچه، سردرگه یی، الماری(کمـد) لیر قرآن، صـندوق، صـندوق تفنگ و انواع دسـته های ابزار دستی از هنرهای مرتبط با چوب در صـنایع دستی هزارگی اند. هزاره ها بیشتر از چوب ارر(عرعر) سپیدار برای ساختن صنایع دستی چوبی استفاده می کنند. آنان درخت را می برند، پس از آن پوسـتش را می کنند و در آفتاب می گذارند که خشک شود. وقتی چوب ها آماده ی کار شدند، آن ها اره کشـی و تراق بری می کنند. چوب های اره کشی شده را به خانه ها می برند و از آن ها در و پنجره و مانند آن می سازند.

دمبوره سازی

دمبوره را هزاره ها بیشتر از چوب توت می سازنـد. اسـتادان دمبوره ساز پس از قطع درخت توت، تنه ای آن را می تراشـند و از مغز آن کـاسه ی دمبوره می سازنـد. این چوب بسـیار ظریف و خوش رنگ است. وقتی چوب درخت توت آماده ی ساخت شـد، آن را چنـد روز در آب می گذارنـد. پس از آن درون آن را خالی می کننـد و کاسه ی دمبوره می سازند. ظرافت مغز تنه ی درخت توت بـاعث خوش صـدایی دمبوره می شود و به قول دمبوره نوازان(درنگ و درنگ) صـدا می دهنـد. وقتی کاسه ی دمبوره ساخته شـد، دسته ی آن را می سازند. در پایان با دوتار نایلولی یا روده ی گوسفند تار(زه)آن را می سازند.

چوخال

هزاره ها از چوخال برای رفتن روی برف استفاده می کننـد. چوخال در هزارسـتان از چوب سـبک ماننـد چوب سپیدار و ارر ساخته می شود. چوخـال سـاز هزاره نخست از چهـار چوب یـک مسـتطیل می سازد ،پس از آن درون مسـتطیل را با سه چوب دیگر پر می کننـد. از آن پس به شـکل چپلی چنـد بنـد از نـخ پشم گوسـفند و یـا چرم دور آن بنـد می انـدازد. مردم هزاره چوخال را در فصـل زمستان پا می کنند و روی برف راه می روند. ویژگی چوخال در این است که در برف فرو نمی رود.

آثار لاکی و روغنی

نقاشی روی بوم، قلمدان، جلد کتاب، جعبه و مانند آن از صنایع دستی آثار لاکی و روغنی هزارگی اند.

صحافی و جلدسازی سنتی

شیرازه بندی و حفظ ورقه های کتاب از دیگر صنایع دستی هزارگی اند.

بافته های داری

محصولا-تی که به کمـک دسـتگاه هـای داری افقی یـا عمودی تولیـد می شود از بـافته های داری هزارگی انـد. قـالی،گلیم، پلاس، جوال، جل اسب، خورجین، نمد، سرانداز، پوشاک سنتی مانند: برک و کرباس از این گونه اند.

بافتنی ها

بافنـدگی گونه‌ای از صـنایع دستی است که با بافتن نـخ و تبـدیل آن به پارچه انجام می‌شود. در این گونه از صـنایع دستی، نـخ‌ها به صورت حلقه‌هایی در هم تنیده ریشتـه(رسیـده) می شوند. دست کش، جوراب، شال گردن بافی و مانند آن ها از بافتنی های صنایع دستی هزارگی اند.

عبـدالخالق آزاد در بـاره نـخ کردن پشم بز و گوسـفند در هزارسـتان چنین می نویسـد: زن ها بعـد از آن که پشم گوسـفند را ذریعه قیچی آهنی(قیچی مال) که توسط آهنگران محل درون کوره های آهنگری ساخته می شد) می گرفتند، آن را شسته و سپس تار تار توسط دست انساج آن را از هم جـدا(تیت) می نمودنـد بعـد آن را باهم دست چل می کردند.- شانه آهنی بعدها ساخته شد. بعد از دست چل پشم آن را به وسـیله دوک دستی که پشم پیچانده شده روی آرنج دست چپ پیچانده می شد، ذریعه دست راست دوک را چرخانده و بعد آن را به تدریج به تار تبدیل می کردند.(ماهنامه پاتو ص ۸)

کـار دیگر زنـان بافت جاجیم، گلیم، گَبِه، قالی، خورجین، خوابگاه و جز آن است. زنان و دختران نخست پشم گوسـفند را با دوک می ریسـند و پس از آن که آن هـا را رنـگ کردنـد به صورت کلاـف برای بافت آماده می سازنـد. بافت با دارهای زمینی و با شانه فلزی که «شانه گلیم بافی» نامیـده می شود انجام می گیرد. در هر دسـتگاه بافت چنـد تن از زنان و دختران مـدت یک یا دو ماه کار می کننـد تـا یـک قطعه جـاجیم یا گلیم زیبای هزارگی بوجود آینـد. آنان نخست کلاف ها را سراسـر دار می کشـند و از یک سـو شروع به بـافتن و طرح انـداختن می کننـد. دوخت پوشـاک خانواده نیز به عهـده ی زن هاست و زن ها نیز بایـد این هنر را بداننـد به همین جهت مادران وظیفه دارند که دوزندگی را مانند بافت جاجیم و گلیم و قالی به دختران خود بیاموزند.

نمد مالی و شلکی بافی

نمـد مـالی و شـلکی بـافی در هزارسـتان سابقه زیادی دارد که خود در اصل نوعی فرش ضـخیم و یا گستردنی است که از پشم تهیه می‌شود. نمـد در حقیقت از نفوذ رطوبت و سـرما جلوگیری می کنـد. فرش نمـدی در انواع مختلف برای مصـرف متفـاوت و با نقش های گوناگون آماده می‌شود. شـلکی نیز از پشم گوسـفند تهیه می‌شود. همـهٔ زنان هزاره تقریبا در این هنرها مهارت دارنـد. تا همین اواخر در هزارسـتان این هنر زیبا ادامه داشت و هنوز هم بیشتر بافندگان این هنر در قید حیاتند اگر چند با ورود فرش‌های صنعتی هر دو از رونق افتاده‌اند.

شلکی بافی

شلکی را مانند پلاس می بافند. با این تفاوت که بافنده ی شـلکی بیشتر زنان هزاره است. برای این کار نخست پشم گوسپند را می ریسند، سپس آن را نخ می کنند. نخ های آماده را روی دستگاه شـلکی بافی می تنند و دستگاه را آماده ی شلکی بافی می کنند. زنان شـلکی باف در یک سـمت دستگاه می نشینند و با شانه های دست ساز شـلکی بافی، روی نـخ ها می کوبند. نخ ها را از لای یک دیگر رد می کننـد و نقش می اندازنـد. نقش های شـلکی نسبت به گلیم و قالی ساده تر است. رنگ شـلکی خاکستری است. طرح های آن بیشتر لوزی مانند اند. وقتی شـلکی آماده شد، آن را روی سـنگی که زیر آن آتش شعله می کشد، می مالند، آب می ریزند و با پا می کوبند. در فرجام شلکی را در آب می خشکانند و به جای لحاف و پتو استفاده می کنند.

نمد مالی

هزاره ها برای ساختن جنس نمدی نخست مقداری پشم بز و گوسفند را روی سنگ داغ پهن می کنند و با چوب بر آن می کوبند و تکـان می دهنـد. وقتی پشم ها به هم فشـرده شـد، روی آن آب گرم می ریزنـد و دوباره می کوبنـد. هنگامی که پشم ها به صورت دوشک در آمد و سـخت فشرده شد، با دست آن را لوله می کنند و دوباره باز می کنند. وقتی پشم ها صورت گلیم به خود گرفت، روی آن را بـا چوب می مالنـد و آب گرم می ریزنـد تـا خوب فشـرده شود. در پایان با دست و پا پشم ها را می مالنـد تا نمـد شود. هزاره ها از نمد به عنوان زیرانداز استفاده می کنند.
عبـدالخالق آزاد در باره ی شال مالی و نمد مالی در هزارسـتان چنین می نویسد: بعد از آن مرحله مالیدن شال فرا می رسـید. مالیدن شـال مرحله ی کار پرمشـقت و عمـدتا کار مردانه بود. سـنگ شال مال روی دیگـدان کلان که زیر آن آتش افروخته می شـد، قرار داشت. در مناطق مرفه که مردم مسجد داشتند، سنگ مزکور را روی لرتابه خانه قرار می دادند و از آتشدان مسجد زیر آن آتش می کردند تا داغ گردد. بعد از آن پارچه ی شال را با آب جوش خیس می کردند و آن را روی سـنگ داغ می انداختند. مرد شال مال، آن را با پاهای شان می کوبید. این کار با شدت تمام از شـفق شـروع و تا شام ادامه می یافت. گه گاهی آن را روی سنگ پایین می کردند و با چوب دراز می کوبیدند. هزاره ها این چوب را (شال کوی) می گفتند. به تدریج نخ های تار شال گم شده، شال ضـخیم و پرپشم می گردید. در نهایت شال را از روی سنگ پایین می نمودند و آن را خشک می کردند.(همان ص ۷)

گلیم بافی

در هزارسـتان گلیم و پلاس به یک معنا به کار می رود. پلاس مـدتی است رونق خود را از دست داده است اگر چند هنوز می توان آن را در برخی خـانه های هزاره ها دیـد. این هنر دستی مردمی که سابقه ی تاریخی چنـد صـده دارد به منظور خودکفایی و تهیه ی گستردنی محلی رواج کامل داشـته است. ولی از حدود سـی سال پیش که قالین صنعتی در کشور گسترش پیدا کرده است، مردم به

تدریج از این صنعت دستی دست بر داشته‌اند. اگر چه پیش از گسترش قالین‌های صنعتی در کشور، در هر خانه ی هزاره یک گلیم هزارگی فرش بود. گلیم را مانند شلکی می بافند. با این تفاوت که بافندگان گلیم بیشتر مرد هستند. برای این کار نخست چهار میخ را در چهارگوش زمین می کوبند. مردم هزاره به این چوب، تیرچوب شال می گفتند. پس از آن دو چوب به صورت افقی در کنار میخ ها جا می گذارند. سپس دو چوب بلند روی زمین به صورت موازی قرار می دهند. در وسط این دو چوب دو چوب دیگر را ستون قرار می دهند. روی دو ستون یک چوب افقی می گذارند و نخ را ها بر آن گره می زنند. در پایین سر این ستون ها دو چوب نازک افقی می گذارند و نخ ها را یک دور، دور آن می پیچانند و گره می زنند. آن وقت نخ های رنگارنگ را به صورت افقی و عمودی از میان ستون ها و دو چوب موازی رد می کنند و بر چوب های کنار میخ ها گره می بندند. وقتی نخ ها جا گذاشته شد، در سمت راست آن دو نفر روی زمین می نشینند و شروع به بافیدن می کنند. برای بافتن دو چوب نازک را که بر آن نخ پیچیده شده است، از درون سایر نخ ها رد می کنند و گره می زنند. با جا به جا کردن چوب ها و زدن شانه های گلیم بافی، گلیم باف ها طرح می ریزند و نقش می بندند.

آزاد این مراحل را چنین توضیح می دهد: با دو چوب، دو شاخه ای دم چوب را پس و پیش و تاو و بالا می کنند. چوب گوله بعد از هر دفعه گذشتاندن تار، ذریعه چوب چک که روی آن تار پیچانده شده است با شانه ی چوبی، آن را محکم محکم می کوبند. ذریعه ی چوب میخ مانند آن را می کشانند و بار دیگر بارکش را از محل اصلی آن کنده و آن را پیش تر قرار می دهند. چوب میخ مانند را چوقیسو و چوب دیگری را که در اصل عرض پارچه را تعیین و کنترول می کند، چوب بارکش می گویند. چوب برکش از ناحیه هر دو سر دارای دو نوک تیز است، که آن را درون ناحیه ی آخری ساحه ی بافته شده به فشار محکم می کنند. در جریان یک روز زنان بافنده فقط می توانند به اندازه ۶۰cm که عرض شال حدود ۵۰ تا ۶۰ cm بود ببافند.(همان ص۷)

یک دست گلیم از پنج روز تا یک هفته طول می کشد تا بافته شود.

جوراب شالی بافی

مردان و زنان هزاره با سیخ های آهنی که از پیش برای جوراب بافی و مانند آن ساخته شده اند، جوراب شالی را می بافند. جوراب شالی مانند دیگر بافته های شالی از چوغ(نخ) ریشته(رسیده) ی پشم گوسفند و بز ساخته می شود. جوراب باف نخست چوغ را دور حلقه ی می پیچد و سپس از سر باز شده ای آن شروع به بافیدن می کند. جوراب باف نخ را به دور سیخ حلقه می کند و به درون نخ های بافته شده می پیچاند و یک دور کامل می بافد. این بافیدن ها تا پایان جوراب ادامه می یابد و در پایان سر نخ را به درون جوراب گره می زند و می برد. بدین صورت جوراب آماده برای پوشیدن می شود.

دست کش شالی وگلوبند(گردن بند) شالی نیز به این صورت بافیده می شوند.

جوال بافی

جوال مانند شلکی از نخ پشم بز و گوسفند بافته می شود. اندازه آن نیز مانند شلکی است. جوال را پس از بافتن دوتا می کنند، قد می زنند و دو طرف تا شده را به هم می دوزند و جوال درست می کنند. در جوال می شود جو، جواری، موشنگ، ماش، گندم و مانند آن نگهداری کرد.

شال بافی(برک)

لباس شالی را در برخی مناطق هزارستان برک می گویند. برک را نخست مانند شلکی می بافند. سپس روی سنگ داغ و یا دیگ

آب جوش با پا می مالند تا مو(کرک) در آورد. وقتی برک آماده شد، از آن کت، شلوار و وسکت(جلیقه) شالی یا برکی درست می کنند. درگذشته زنان خیاط لباس برکی را می دوختند، اکنون خیاط های عصری آن را می دوزند. لباس برک بسیار خوش رنگ و زیبا است. امروزه هرکسی نمی تواند لباس برک بپوشد، چون ساختنش سخت است و هم بسیار گران است. برک هزارگی امروزه بیشتر برای فروش به گردشگران خارجی ساخته می شوند.

آزاد در این باره می نویسد: به دنبال آن، مرحله ی تهیه شال پیراهن و شال پای جامه (شال برزو) می رسید. شال پیراهن متشکل از چهار بخش بود، دوپارچه آستین و دو پارچه پیش رو و پشت سر. شال را افراد ماهر برش می کردند. بعد از برش زنان آن ر ا با دست و سوزن آهنگری می دوختند. در ناحیه علیای پارچه پیش رو به شکل نیم دایره برای جای گردن، شال را برش می نمودند. و از ناحیه ی وسط نیم دایره به طرف پایین تا اندازه ی که سر از آن داخل شده بتواند، در ناحیه سینه آن را چاک می نمودند. کناره چاک و محل دایره که گردن در آن قرار می گرفت، با تناب مخصوص که آن را قیغ می گفتند، کناره دوزی می کردند. قیغ را زن ها از تاب دادن چند تار گردهمدیگر و بافتن به شکل آتیکی(تاباندن سه تار لای همدیگر) تهیه می کردند. آن سه تار به رنگ های مختلف سیاه، سفید و سرخ بود، که از ترکیب پیچیدن آن رنگ مرغوب و زیبای به دست می آید.

در ناحیه بالا تنه شال پیراهن آستین ها و محل گردن و در ناحیه پایانی دامن شال قرار داشت. برای آن که شال با بدن در تماس قرار بگیرد و در نتیجه به زیبایی شال افزوده شود آن را با شال دیگر که آن را شال میمن (شال میان بند) که مفهوم کمربند را داشت می بست.

شال میمن (شال میان بند)

شال میمن به عرض ۵ تا ۱۰ cm همانند شال بافته می شد، کمتر آن را می مالیدند. و به تناسب بزرگی کمر طول داشت. هدف از بستن آن در کمر جمع و جور کردن شال برای جلوگیری از مزاحمت در جریان کار بود. در ناحیه بالای روی سینه چپ یک یا دو جیب از همان پارچه شال درست می کردند.

بعضی افراد روی دامن هم جیب داشت، مردم آن گونه افراد را در جامعه افراد چارجیبه خطاب می کردند.

لباس مردان و اطفال اعم ازدختر و پسر چندان از هم تفاوت نداشت ولی لباس زنان دامن درازتر و و دایره وسیع تر داشت.

شال برزو

شال برزو که بیشتر مشابه پطلون(شلوار) های امروزی بود، با پطلون های این قدر تفاوت داشت، که فاقد جیب بود. و مانند ازار امروزی جای مخصوص داشت، که درون آن تناب(ازاربند) آتیکی(بافته شده) قرار داده می شد.

این گونه ازار بند که سخت ناحیه کمر را اذیت می کرد، برای مردان و زنان پدیده ی آزار دهنده بود. مردان و زنان که جای ازار بند آن از پارچه کرباس بود به دیگران مباهات می کردند. و یا دیگران می گفتند خوشا به حال فلانی که جاغه شال بند(محل اختفای ازاربند) آن از کرباس است. ازار بندها را هزاره ها از پشم گوسفند و بز می ساختند.(همان ص۷)

کرباس بافی

کرباس را هزاره ها از نخ پنبه می سازند. ساخت آن مانند شلکی است با این تفاوت که نخ کرباس باریک تر از نخ پشمی شلکی است و پارچه ی آن ضخامت شلکی را ندارد. کرباس نخستین دست بافت هزارگی است که به عنوان لباس از آن استفاده می شده است. کرباس از پارچه ی معلومی کمی ضخیم تر است، از این رو برای زمستان هزارستان لباس مورد پسند هزاره ها است.

خورجین بافی

هزاره ها خورجین را از نخ پشم بز و گوسفند می سازند. ساخت آن مانند شلکی است. وقتی پارچه ی خورجین آماده شد،آن را از دو طرف تا می کنند. قسمت تا شده را جیب مانند می سازند. خورجین را بیشتر اسپ سواران استفاده می کنند. داخل خورجین وسایل ضروری را می گذارند و از دو طرف اسپ، قاطر و الاغ می آویزانند.

کلاه چوغی بافی

زنان هزاره با نخ نیلونی و سخ های مخصوص کلاه دوزی، نوعی کلاه می بافند که به آن کلاه چوغی می گویند. کلاه چوغی که از نخ نایلونی بافیده می شود، سفت و استوار روی سر می استد و بیشتر مورد پسند جوانان و نو جوانان است. اما کلاه چوغی که از انواع نخ های معمولی بافته می شود؛ شل است و بیشتر میان سالان و پیر سالان سر می کنند. کلاه چوغی مانند جوراب و دستکش شالی و چوغی بافته می شود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹